

ORIGINAL ARTICLE

Hermeneutic Analysis of Erdoğanism Theopolitical Doctrine in Turkish Higher Education: The Engineering of Behavior and Cognitive Thought

Ismail Baniadam 

Department of International Relations,
Faculty of Political Science, Islamic
Azad University, Zanjan, Iran.

Correspondence:

Ismail Baniadam
Email: ismail.baniadam@iau.ac.ir

Received: 13/Jan/2026
Revised: 18/Feb/2026
Accepted: 10/Mar/2026
Published: 21/Mar/2026

How to cite

Baniadam, I. (2026). Hermeneutic Analysis of Erdoğanism Theopolitical Doctrine in Turkish Higher Education: The Engineering of Behavior and Cognitive Thought. *Education and Exploration in Learning, Behavior and Cognition*, 2 (1), 19-30.
(<https://doi.org/10.30473/elc.2026.77745.1011>)

ABSTRACT

Since the Justice and Development Party's (AKP) ascension in 2002, Türkiye's higher education governance has undergone a profound transformation, recalibrating the intersections of knowledge, national identity, and religious values within a broader project of Erdoğanism civilizational doctrine. The main research question is: How are Erdoğan's theopolitical policies represented in policy documents, institutional reforms, or official speeches, and how do these representations lead to changes in patterns of understanding, epistemic value systems, and academic behavior. Relying on "Gadame hermeneutics," the concept of "theopolitics," and "Governmental Rationality," this study considers the governance of higher education as a meaning-making process through which epistemic and ethical norms are redefined. Through a qualitative hermeneutic discourse analysis of policy texts, official rhetoric, and institutional reforms related to the Council of Higher Education (YÖK) from 2002 to 2025, the study identifies four primary mechanisms: the reconstruction of the "ideal student" as a moral-civilizational subject; the centralization of rector appointments to maintain interpretive control; the prioritization of "civilizational truth" in epistemic restructuring; and the emergence of an "atmospheric governance" that normalizes loyalty, overt religiosity, and discursive caution. These mechanisms culminate in a form of "cognitive governance" that aligns internal thought with institutional compliance, fostering a "civilizational habitus" and "civilizational pedagogy" that, while bolstering ideological cohesion, creates inherent tensions with the demands of scientific innovation and critical inquiry.

KEYWORDS

Theopolitics, Erdoğanism, Higher Education, Behavioral Engineering.



«مقاله پژوهشی»

نگاه هرمنوتیک به دکترین تئوپولیتیک اردوغانیسم در حکمرانی آموزش عالی ترکیه: مهندسی رفتار انسانی و تفکر شناختی

اسماعیل بنی آدم

گروه روابط بین الملل، دانشکده علوم سیاسی دانشگاه آزاد زنجان،
ایران

نویسنده مسئول:

اسماعیل بنی آدم

رایانامه: ismail.baniadam@iau.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۱۰/۲۳

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۱۱/۲۹

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۱۲/۱۹

تاریخ انتشار: ۱۴۰۵/۰۱/۰۱

استناد به این مقاله:

بنی آدم، اسماعیل. (۱۴۰۵). نگاه هرمنوتیک به دکترین تئوپولیتیک اردوغانیسم در حکمرانی آموزش عالی ترکیه: مهندسی رفتار انسانی و تفکر شناختی. *آموزش و کاوش در یادگیری، رفتار و شناخت*، ۱۹(۱)، ۳۰-۱۹.

<https://doi.org/10.30473/elc.2026.77745.1011>

چکیده

با به قدرت رسیدن حزب عدالت و توسعه در سال ۲۰۰۲، حکمرانی آموزش عالی در ترکیه دگرگون شده و رابطه میان دانش، هویت ملی و ارزش‌های دینی به‌گونه‌ای تازه بازتعریف شده است. در این روند، دانشگاه‌ها در چارچوب پروژه تمدنی دکترین اردوغانیسم قرار گرفته‌اند؛ پروژه‌ای که در آن تولید دانش، اخلاق اجتماعی و هویت سیاسی معنایی تازه می‌یابد. پرسش اصلی پژوهش این است که سیاست‌های تئوپولیتیک اردوغان چگونه در اسناد، اصلاحات نهادی یا سخنرانی‌های رسمی بازنمایی می‌شوند و این بازنمایی‌ها چگونه به تغییر الگوهای فهم، ارزش‌گذاری معرفتی و رفتار دانشگاهی منجر می‌شوند. پژوهش با اتکا به «هرمنوتیک گادامر»، مفهوم «تئوپولیتیک» و «عقلانیت حکمرانی»، حکمرانی آموزش عالی را فرایندی معنا ساز می‌داند که از طریق آن هنجارهای معرفتی و اخلاقی بازتعریف می‌شوند. روش مطالعه تحلیل کیفی گفتمان هرمنوتیکی است و متون سیاستی، سخنرانی‌های رسمی و اصلاحات نهادی مرتبط با شورای آموزش عالی ترکیه در فاصله ۲۰۰۲ تا ۲۰۲۵ را تحلیل می‌کند. یافته‌ها چهار سازوکار اصلی را نشان می‌دهد: بازسازی «دانشجوی آرمانی» به‌عنوان سوژه‌ای اخلاقی-تمدنی؛ تمرکزگرایی در انتصاب رؤسای دانشگاه‌ها برای اعمال کنترل تفسیری؛ اولویت دادن به «حقیقت تمدنی» در بازتنظیم معرفتی؛ و شکل‌گیری حکمرانی اتمسفریک که وفاداری، دینداری آشکار و احتیاط گفتمانی را عادی‌سازی می‌کند. این سازوکارها نوعی «حکمرانی شناختی» ایجاد می‌کنند که تفکر و باورهای درونی را با تبعیت نهادی پیوند می‌دهد و به شکل‌گیری «هابیتوس تمدنی» و «پداگوژی تمدنی» در دانشگاه‌ها منجر می‌شود؛ وضعیتی که در عین تقویت انسجام ایدئولوژیک، با الزامات نوآوری علمی و تفکر انتقادی نیز تنش‌هایی ایجاد می‌کند.

واژه‌های کلیدی

تئوپولیتیک، اردوغانیسم، آموزش عالی، مهندسی رفتار.

مقدمه

از زمان به قدرت رسیدن حزب عدالت و توسعه در سال ۲۰۰۲، آموزش عالی در ترکیه به یکی از عرصه‌های اصلی منازعه بر سر معنای مدرنیته، هویت و دانش مشروع تبدیل شده است (گوموش^۱، ۲۰۱۸). دانشگاه‌های ترکیه که پیش‌تر به‌عنوان نهادی سکولار برای حفاظت از عقلانیت جمهوری خواهانه روایت می‌شدند، به‌تدریج به ابزاری تمدنی بازتعریف شده‌اند که انتظار می‌رود شهروندانی با انضباط اخلاقی و متخصصانی وفادار تربیت کنند (اوکت^۲، ۲۰۱۱؛ دوران^۳، ۲۰۱۳). این سیاست اغلب به‌عنوان بخشی از «اردوغانیسم» توصیف می‌شود؛ نه صرفاً به عنوان سبک رهبری، بلکه به عنوان پروژه سیاسی-فرهنگی گسترده‌ای که حاکمیت، اخلاق و تاریخ را از طریق روایت‌های دینی-ملی بازتعریف می‌کند (دوران^۳، ۲۰۱۳). درحالی‌که بسیاری از تحلیل‌ها بر اصلاحات قانونی، تغییرات نهادی یا کاهش آزادی دانشگاهی تمرکز دارند، برای فهم چگونگی عمل حکمرانی باید به جنبه تفسیری و افق‌های واقعی آن نیز توجه کرد (گادامر^۴، ۲۰۰۴).

در نگاه «هرمنوتیکی»^۵، سیاست‌ها و سخنرانی‌ها مانند «متن» عمل می‌کنند؛ متونی که برخی تفسیرها را تقویت و برخی را محدود می‌کنند و تعیین می‌کنند چه چیزهایی در نهادها قابل بیان، مطلوب یا قابل مجازات است (گادامر^۴، ۲۰۰۴). در دوره اردوغان، حکمرانی آموزش عالی را می‌توان تلاشی برای تغییر نگاه از معرفت‌شناسی لائیک به چارچوبی دانست که در آن هویت ملی و اخلاق دینی به‌طور هم‌زمان در شکل‌دادن به دانش، رفتار و تفکر نقش دارند (گوموش^۱، ۲۰۱۸). ادعای پرورش «نسل دیندار» نمونه‌ای روشن از این تغییر است؛ زیرا آموزش را فراتر از یادگیری مهارت‌ها می‌داند و آن را فرایندی برای تربیت اخلاقی و سیاسی دانشجویان معرفی می‌کند (اینال^۶، ۲۰۱۸).

مفهوم «تئوپولیتیک»^۷ به پیوند میان دین و قدرت سیاسی اشاره دارد. در این چارچوب، سیاست برای کسب مشروعیت از مفاهیم دینی مانند جامعه مؤمنان، تقدیر الهی و وظیفه اخلاقی بهره می‌گیرد (آگامبن^۸، ۲۰۱۱). از این منظر، حکمرانی آموزش عالی به عرصه‌ای مهم از الهیات سیاسی تبدیل می‌شود؛ جایی که

افراد به‌گونه‌ای پرورش می‌یابند تا جهان و خود را بر اساس روایت تمدنی مورد تأیید دولت تفسیر کنند. تحول آموزش عالی در ترکیه در چارچوب گسترده‌تری از حکمرانی نیز قابل فهم است. در رویکرد «عقلانیت حکمرانی»^۹، قدرت نه صرفاً از طریق اجبار مستقیم، بلکه بیشتر از راه شکل‌دادن به رفتارها و جهت‌دادن به کنش‌ها عمل می‌کند (دین^{۱۰}، ۲۰۱۰؛ فوکو^{۱۱}، ۲۰۰۸).

در حوزه آموزش عالی ترکیه، این منطق از راه ارزیابی کیفیت، اصلاحات مدیریتی، شیوه‌های انتصاب و مشوق‌های نمادین اجرا می‌شود و رفتار دانشگاهیان را جهت‌دهی می‌کند (گوموش^۱، ۲۰۱۸؛ چوشار و یگن‌اوغلو^{۱۲}، ۲۰۱۱). در دوره اردوغانیسم^{۱۳}، این سازوکارها با روایت‌های تئوپولیتیک همراه است و «حکمرانی خوب» به عنوان مدل سرپرستی اخلاقی و احیای تمدنی معرفی می‌شود (دوران^۳، ۲۰۱۳). در نتیجه، حکمرانی هم جنبه نهادی و هم جنبه شناختی پیدا می‌کند و شیوه رفتار و تفکر دانشجویان و استادان درباره مشروعیت، حقیقت و وفاداری را شکل می‌دهد (رز^{۱۴}، ۱۹۹۹).

مسئله اصلی این پژوهش، تغییر آموزش عالی ترکیه از فضایی نسبتاً کثرت‌گرا برای تولید دانش به ابزاری نهادی برای شکل‌دهی «سوژه تئوپولیتیک» در دوره اردوغان است. در گذشته، تنش‌های آموزش در ترکیه بیشتر میان سکولاریسم جمهوری خواه و دینداری اجتماعی بود. اما از ۲۰۰۲، حکمرانی بیشتر به‌صورت تلاشی از بالا برای بازتعریف معنای دانش، حقیقت و فضیلت دانشگاهی عمل می‌کند و نشانه‌های دینی-ملی را در سیاست‌گذاری و کنترل نهادی وارد می‌کند (اینال^۶، ۲۰۱۸؛ یلماز^{۱۵}، ۲۰۱۸). این تغییر صرفاً افزودن محتوای دینی به دانشگاه نیست؛ بلکه دگرگونی در چارچوب‌های تفسیر است. به‌گونه‌ای که برخی شیوه‌های شناخت و پرسشگری، از لحاظ اخلاقی پرتنش، از نظر سیاسی مخاطره‌آمیز یا «بیگانه با تمدن» تلقی می‌شوند (اسد^{۱۶}، ۲۰۰۳؛ گولالپ^{۱۷}، ۲۰۱۹). از بُعد «فهم و معنا»، شیوه حکمرانی کاری می‌کند که «عقلانیت سکولار»^{۱۸} در برابر «حقیقت تمدنی»^{۱۹} تابع و کم‌رنگ شود و تنها دانشی معتبر شمرده می‌شود که با روایت اخلاقی مورد

9. Governmental Rationality

10. Dean

11. Foucault

12. Coşar & Yeğenoglu

13. Erdoğanism

14. Rose

15. Yılmaz

16. Asad

17. Güllalp

18. Secular Rationality

19. Civilizational Truth

1. Güntüş

2. Öktem

3. Duran

4. Gadamer

5. Hermeneutics

6. İnal

7. Theopolitics

8. Agamben

مهم است، زیرا نشان می‌دهد نظام آموزش عالی چگونه می‌تواند برای تغییر هنجارهای معرفتی و شکل‌دادن هویت اخلاقی به کار گرفته شود.

مقاله میان هرمنوتیک یعنی شیوه تفسیر متن و سنت، و تنوپولیتیک یعنی پیوند قدرت سیاسی با دین، ارتباط برقرار می‌کند و نشان می‌دهد ترکیب این دو می‌تواند نوعی «حکمرانی شناختی»^{۱۰} در دانشگاه‌ها ایجاد کند (آگامبن^{۱۱}، ۲۰۱۱؛ دین^{۱۲}، ۲۰۱۰). این بحث صرفاً به ترکیه محدود نیست، زیرا در بسیاری از کشورها پوپولیسم^{۱۳}، ملی‌گرایی دینی و گفتمان تمدنی در حال گسترش است و دانشگاه‌ها را به عرصه بازتولید ایدئولوژی و کشمکش تبدیل می‌کند.

در نهایت، این پژوهش به شکل‌گیری فهم سوژه در شرایط اقتدارگرایی معاصر کمک می‌کند. در این مطالعه، «پداگوژی تمدنی»^{۱۴} اردوغانیسم به عنوان پیوند باورهای درونی افراد با تنظیم رفتار بیرونی توضیح داده می‌شود و نشان می‌دهد که عمیق‌ترین اثرات سیاسی زمانی رخ می‌دهند که حکمرانی نه صرفاً بر اجبار، بلکه بر تأثیر روانشناختی و تفسیری نیز متکی است (رز^{۱۵}، ۱۹۹۹).

مرور ادبیات

پژوهش‌ها درباره دوره حزب عدالت و توسعه معمولاً از گذار از دوره اصلاح‌طلبی و تکثرگرایی اولیه به سوی اقتدارگرایی سخن می‌گویند. اونیش^{۱۶} (۲۰۱۵) می‌گوید این حزب با تمرکز قدرت و بازآرایی نهادها و روایت‌های مشروعیت توانست موقعیت مسلط خود را تثبیت کند.

در بُعد فرهنگی، گولالپ^{۱۷} (۲۰۱۹) نشان می‌دهد چرخش اقتدارگرایانه همراه با جنگ‌های فرهنگی و سیاست هویت، قطبی‌سازی را تشدید کرده و آموزش عالی را به هدفی راهبردی بدل ساخته است؛ زیرا دانشگاه‌ها در پرورش نخبگان و مسیر مدرنیته نقش کلیدی دارند. همچنین سیاست‌های حزب عدالت و توسعه بر تبدیل نهادهای عمومی به حامل ارزش‌های محافظه‌کار و بازسازمان‌دهی آموزش بر پایه منطق بازار استوار است. اینال^{۱۸} (۲۰۱۸) دو روند

تأیید حکومت هماهنگ باشد (یاووز^۱، ۲۰۰۹؛ کورو^۲، ۲۰۰۹). از نظر رفتاری، حکمرانی می‌کوشد برخی کنش‌ها مانند دینداری آشکار، تمکین به اقتدار و پرهیز از موضوعات مناقشه‌آمیز را عادی‌سازی کند. این روند از طریق انتصابات، اولویت‌های تأمین مالی و فضای انضباطی شکل می‌گیرد (گوموش^۳، ۲۰۱۸؛ اوکتیم^۴، ۲۰۱۱). این دو بُعد به عنوان تلاقی سنتز رفتار انسان و شیوه‌های شناخت قلمداد می‌شوند. در این حالت، گرایش‌های درونی و چارچوب‌های تفسیری طوری شکل می‌گیرند که اطاعت بیرونی امری طبیعی، درست یا حتی ضروری به نظر می‌رسد (بورديو^۵، ۲۰۰۰).

با وجود پژوهش‌های فراوان درباره اقتدارگرایی و کنترل نهادی در ترکیه، هنوز روشن نیست حکمرانی چگونه از طریق تولید معنا عمل می‌کند و بر فهم و رفتار روزمره دانشجویان اثر می‌گذارد. بدون یک چارچوب هرمنوتیک-تنوپولیتیک، پژوهش‌ها تنها بر تمرکز قدرت و سرکوب متمرکز می‌مانند، درحالی‌که سیاست‌ها همچون متنی تفسیری عمل کرده و شیوه فهم خود، ملت و وظیفه اخلاقی را شکل می‌دهند. این پژوهش با هدف پرکردن این خلأ، حکمرانی را پروژه‌ای تفسیری تنوپولیتیک می‌داند که اندیشه و رفتار را در نظامی معرفتی تازه بازمی‌سازد.

اهمیت این پژوهش در باز کردن نگاه تفسیری جدید به بحث آموزش عالی در ترکیه است. بسیاری از پژوهش‌های موجود بر تمرکز قدرت در نهادها، کاهش آزادی دانشگاهی و پیامدهای حکمرانی اضطراری تمرکز دارند (بوزکورت و همکاران^۶، ۲۰۲۰؛ گولمز^۷، ۲۰۱۸) و نقش گفتمان و تولید معنا در این مطالعات کمتر مورد توجه قرار می‌گیرد.

در مقابل، این پژوهش نشان می‌دهد که تولید معنا نقش مهمی در حکمرانی دارد. بر اساس این دیدگاه، اصلاحات نهادی زمانی پایدار می‌مانند که در قالب یک روایت تمدنی قانع‌کننده مطرح شوند؛ روایتی که شیوه فهم و رفتار افراد را در یک جهت هماهنگ می‌کند (دوران^۸، ۲۰۱۳؛ ییلماز و موریسون^۹، ۲۰۲۳) و به فهم بهتر روند اقتدارگرایی در ترکیه کمک می‌کند.

این پژوهش برای جامعه‌شناسی معرفت و فلسفه آموزش نیز

10. Cognitive governance
11. Agamben
12. Dean
13. populism
14. Civilizational Pedagogy
15. Rose
16. Öniş
17. Güllalp
18. İnal

1. Yavuz
2. Kuru
3. Gümtüş
4. Öktem
5. Bourdieu
6. Bozkurt et al.
7. Gülmez
8. Duran
9. Yılmaz & Morieson

رویکرد هرمنوتیک بر نقش تفسیر در فهم و کنش تأکید می‌کند. گادامر^{۱۰} (۲۰۰۴) می‌گوید فهم انسان در افق‌های تاریخی شکل می‌گیرد؛ افق‌هایی که سنت، زبان و اقتدار آن را می‌سازند. بنابراین گفتمان سیاسی می‌تواند با تغییر این چارچوب‌های تفسیری، شیوه فهم افراد از جهان را دگرگون کند. ریکور^{۱۱} (۱۹۹۱) نیز نشان می‌دهد نهادها می‌توانند روایت‌ها را به عمل تبدیل کنند؛ یعنی تفسیرهای خاص را در قوانین و رویه‌ها نهادینه کنند. به همین دلیل، هرمنوتیک برای فهم حکمرانی آموزشی به عنوان فرایند تولید معنا اهمیت دارد.

در کنار آن، مفهوم تئوپولیتیک و الهیات سیاسی نیز چارچوب مهمی فراهم می‌کند. آگامبن^{۱۲} (۲۰۱۱) نشان می‌دهد برخی الگوهای الهیاتی می‌توانند بر شکل حکمرانی مدرن اثر بگذارند. اسد^{۱۳} (۲۰۰۳) نیز توضیح می‌دهد که سکولار صرفاً نبود دین نیست، بلکه نوعی نظم سیاسی است که تعیین می‌کند کدام ارزش‌های اخلاقی در حوزه عمومی پذیرفته شوند. موتلوثر^{۱۴} (۲۰۱۹) پیوند حزب عدالت و توسعه با الهیات سیاسی را بررسی می‌کند و نشان می‌دهد چگونه مفهوم اراده ملی به منبع مشروعیت تبدیل می‌شود. همچنین توغال^{۱۵} (۲۰۰۹) نشان می‌دهد چگونه جریان‌های اسلامی در نهایت در چارچوب نظام سرمایه‌داری و نظم سیاسی موجود جذب می‌شوند.

این پژوهش بر خلاً موجود در ادبیات تمرکز می‌کند و بررسی می‌کند که گفتمان‌های تئوپولیتیک چگونه از طریق تفسیر بر حکمرانی آموزش عالی اثر می‌گذارند و الگوهای فکری و رفتاری را بازسازی می‌کنند. در حالی که مطالعات پیشین عمدتاً بر تمرکز قدرت توجه داشته‌اند، کمتر به این پرداخته‌اند که سیاست‌ها چگونه به نظام‌های معنا تبدیل می‌شوند. این مقاله با ترکیب رویکردهای هرمنوتیک، تئوپولیتیک و عقلانیت حکمرانی، چارچوبی ارائه می‌دهد که دانشگاه را فضایی برای تولید معنا می‌بیند؛ جایی که هنجارهای فکری، هویت اخلاقی و هابیتوس رفتاری هم‌زمان شکل می‌گیرند.

چارچوب نظری

چارچوب نظری این پژوهش، دکترین «هرمنوتیک»، «تئوپولیتیک»، «عقلانیت حکمرانی» و «هابیتوس»^{۱۶} را با هم ترکیب می‌کند. از دیدگاه هرمنوتیک گادامر^{۱۷} (۲۰۰۴)، فهم انسان همیشه در

همزمان یعنی تحول «محافظه‌کارانه»^۱ و «کالایی‌سازی» را مطرح می‌کند. او در پژوهش دیگری نشان می‌دهد آموزش به ابزاری برای پرورش سوژه اخلاقی و ملی تبدیل می‌شود.

همچنین تورکمن^۲ (۲۰۱۲) نشان می‌دهد که آموزش به عرصه‌ای برای تقویت هویت اسلامی در سیاست دولتی بدل شده و چارچوب‌های سکولار گذشته را دگرگون کرده است. مفهوم «نسل دیندار» نیز تنها یک شعار نیست، بلکه بر سیاست‌گذاری آموزشی و فرهنگ نهادی دانشگاه‌های ترکیه اثر می‌گذارد.

گور^۳ (۲۰۱۶) به گسترش سریع آموزش عالی ترکیه اشاره می‌کند و چالش‌های مربوط به کیفیت و شیوه حکمرانی را مطرح می‌سازد. چلیک و گور^۴ (۲۰۱۴) نشان می‌دهند آموزش عالی ترکیه به شدت تحت تأثیر سیاست‌های دولت و نقش شورای آموزش عالی قرار گرفته و روند تمرکزگرایی ادامه یافته است. همچنین تکنه‌جی^۵ (۲۰۱۹) نشان می‌دهد که شورای آموزش عالی ترکیه از نهادی نگهبان سکولار به ابزاری در خدمت قوه مجریه بدل شده است؛ به‌ویژه پس از اصلاحات حقوقی که نفوذ ریاست‌جمهوری در انتخاب رؤسای دانشگاه‌ها را افزایش داد. نتیجه آن است که اهداف سیاسی به سازوکارهای کنترل سازمانی در دانشگاه‌ها تبدیل می‌شود. گولمز^۶ (۲۰۱۸) آموزش عالی ترکیه را در چارچوب چرخش اقتدارگرایانه توضیح می‌دهد و نشان می‌دهد اقدام‌های اضطراری و کنترل اجرایی چگونه خودمختاری دانشگاه‌ها را محدود کرده و بر رفتار دانشگاهی اثر گذاشته است.

در سال‌های اخیر، موضوع «گفتمان تمدنی» و «پوپولیسم» در پژوهش‌ها برجسته شده است. یلماز^۷ (۲۰۱۸) مفهوم پوپولیسم تمدنی را مطرح می‌کند و توضیح می‌دهد که حزب عدالت و توسعه سیاست را به صورت تقابل میان یک تمدن اصیل و نخبگان بیگانه تصویر می‌کند.

یلماز و موریسون^۸ (۲۰۲۳) این مفهوم را در مقایسه با دیگر کشورها بررسی می‌کنند و نشان می‌دهند پوپولیسم تمدنی چگونه مرزبندی اجتماعی و اخلاقی‌سازی سیاست را تقویت می‌کند. همچنین دوران^۹ (۲۰۱۳) با طرح ایده «ترکیه نو» بر روایت نوزایی ملی و احیای اخلاقی در گفتمان سیاسی تأکید می‌کند.

10. Gadamer
11. Ricoeur
12. Agamben
13. Asad
14. Mutluer
15. Tuğal
16. Habitus
17. Gadamer

1. Conservative
2. Türkmén
3. Gür
4. Çelik & Gür
5. Tekneci
6. Gülmez
7. Yılmaz
8. Yılmaz & Morieson
9. Duran

دانشگاه به عرصه‌ای تبدیل می‌شود که در آن اندیشه و رفتار در یک نظم معرفتی جدید همسو می‌شوند.

روش

این پژوهش با بهره‌گیری از تحلیل گفتمان هرمنوتیکی کیفی بررسی می‌کند که چگونه معناهای تئوپولیتیک در حکمرانی آموزش عالی ترکیه تولید و نهادینه می‌شوند. در این رویکرد، اسناد سیاستی و گفتمان‌های رسمی نه صرفاً به‌عنوان منابع اطلاعاتی، بلکه به‌عنوان متونی تفسیری فهم می‌شوند که از طریق آن‌ها معناى دانشگاه، نقش دانشجو و حدود رفتار دانشگاهی ساخته و تثبیت می‌گردد. داده‌های پژوهش از میان ۴۰ سند رسمی مرتبط با حکمرانی آموزش عالی ترکیه در فاصله سال‌های ۲۰۰۲ تا ۲۰۲۵ گردآوری شده است؛ دوره‌ای که تحولات گفتمانی و ساختاری مهمی در سیاست‌گذاری دانشگاهی رخ داده است. این اسناد شامل برنامه‌های سیاستی شورای آموزش عالی، متون قانونی و اداری مرتبط با مدیریت دانشگاه‌ها، سخنرانی‌ها و بیانیه‌های رسمی درباره دانشگاه، علم و نسل جوان، و همچنین گزارش‌ها و بیانیه‌های نهادی دانشگاهی است. برای هر یک از چهار حوزه مذکور، ۱۰ سند به‌صورت هدفمند و بر اساس سه معیار انتخاب شد: ارتباط مستقیم با حکمرانی آموزش عالی، وجود ارجاع به مفاهیم ملی، معنوی یا تمدنی، و انتشار توسط نهادهای رسمی یا منابع معتبر نهادی.

تحلیل داده‌ها بر پایه منطق چرخه هرمنوتیکی و در سه مرحله انجام گرفت. در مرحله نخست، تحلیل واژگانی و مفهومی به شناسایی مفاهیم و نشانه‌های زبانی پرتکرار مانند «تمدن»، «اراده ملی»، «نسل دیندار» و «بومی و ملی» انجامید تا چارچوب‌های معنایی شکل‌دهنده روایت رسمی دانشگاه آشکار شود. در مرحله دوم، این مفاهیم در بستر تاریخی و فکری ترکیه و در پیوند با مناقشه دیرینه درباره سکولاریسم، هویت ملی و نقش دولت بازتفسیر شدند. مرحله سوم بر پیامدهای شناختی-رفتاری گفتمان تمرکز داشت و نشان داد چگونه روایت رسمی، الگوهای مطلوب رفتار دانشگاهی را تعریف و از طریق سازوکارهای نهادی تثبیت می‌کند. هدف نهایی پژوهش بازسازی منطق تفسیری حکمرانی آموزش عالی و فهم چگونگی تولید همزمان چارچوب‌های فکری، هویت‌های مطلوب و الگوهای رفتاری در دانشگاه‌های ترکیه است.

چارچوب تاریخ، زبان و سنت شکل می‌گیرد. بنابراین سیاست آموزشی خنثی نیست؛ بلکه نوعی مداخله تفسیری است که برداشت دانشجویان و استادان از نقش دانش و معنای دانشگاه را تغییر می‌دهد. ریکور (۱۹۹۱) نیز نشان می‌دهد که متن‌ها از راه تفسیر به عمل تبدیل می‌شوند. به همین دلیل اسناد سیاستی و سخنرانی‌های رسمی می‌توانند به الگوهایی برای رفتار نهادی تبدیل شوند و بر شیوه عمل دانشگاه‌ها اثر بگذارند.

تئوپولیتیک بخش دیگر این چارچوب است و توضیح می‌دهد که چگونه قدرت سیاسی از مفاهیم دینی برای مشروعیت استفاده می‌کند. آگامبن (۲۰۱۱) می‌گوید حکمرانی مدرن با الگوهای دینی پیوند دارد و قدرت علاوه بر تصمیم سیاسی به تأییدهای نمادین و گفتمانی نیز تکیه می‌کند. در ترکیه، روایت‌های تمدنی و مراسم دانشگاهی می‌توانند به مشروعیت کنترل دولت بر دانشگاه‌ها کمک کنند.

مفهوم عقلانیت حکمرانی این معناها را به شیوه‌های عملی حکمرانی پیوند می‌دهد. فوکو^۱ (۲۰۰۸) حکمرانی را هدایت میدان کنش‌ها می‌داند؛ یعنی شکل دادن رفتار افراد از راه هنجارها، مشوق‌ها و خودتنظیمی. دین^۲ (۲۰۱۰) نیز نشان می‌دهد این منطق از راه نهادها، تخصص و نظام‌های ارزیابی عمل می‌کند. در آموزش عالی، این موضوع در نظام‌های انتصاب، معیارهای عملکرد و توزیع منابع دیده می‌شود. در دوره اردوغان، این سازوکارها با معناهای دینی و تمدنی ترکیب می‌شوند و نوعی حکمرانی شناختی ایجاد می‌کنند که باور و هویت را نیز هدف می‌گیرد (رز،^۳ ۱۹۹۹).

نظریه هابیتوس بوردیو^۴ (۲۰۰۰) توضیح می‌دهد این روند چگونه پایدار می‌شود. هابیتوس یعنی گرایش‌ها و عادت‌های درونی افراد که در طول زمان در رفتار خود بازتولید می‌شوند. وقتی دانشگاه‌ها بر پایه روایت‌های تمدنی و اقتدار متمرکز بازسازمان می‌شوند، می‌توانند نوعی هابیتوس تمدنی ایجاد کنند که در آن دینداری، وفاداری و احتیاط به رفتارهای عادی تبدیل می‌شود.

در مجموع، این چارچوب نشان می‌دهد حکمرانی آموزش عالی فقط مدیریت اداری نیست، بلکه فرایند شکل دادن معنا است. تئوپولیتیک توضیح می‌دهد چرا این معناها مقدس می‌شوند؛ هرمنوتیک نشان می‌دهد چگونه فهمیده و درونی می‌شوند؛ عقلانیت حکمرانی بیان می‌کند چگونه اجرا می‌شوند؛ و هابیتوس توضیح می‌دهد چگونه در رفتار روزمره پایدار می‌شوند. در نتیجه

1. Foucault

2. Dean

3. Rose

4. Bourdieu

یافته‌ها

تحلیل نشان می‌دهد چهار سازوکار به هم پیوسته وجود دارد که از طریق آن‌ها سیاست تئوپولیتیک اردوغانیسم آموزش عالی ترکیه را ترسیم و میان تفکر شناختی و رفتار انسانی پیوند برقرار می‌کند.

بازسازی «دانشجوی آرمانی»: سوژه اخلاقی-تمدنی

یافته نخست نشان می‌دهد که در گفتمان رسمی ترکیه، هدف آموزش عالی تنها انتقال مهارت علمی نیست، بلکه تربیت «نسلی دیندار، اخلاقی و وفادار به ارزش‌های ملی» است. این رویکرد، «نسل دیندار» را الگویی برای ساختن نوع خاصی از انسان می‌داند؛ انسانی که پایبندی به سنت و انضباط اخلاقی معیار بلوغ فکری تلقی می‌شود، در حالی که رفتار انتقادی یا رویکردهای سکولار به عنوان فاصله گرفتن از ریشه‌های ملی تفسیر می‌گردد (اینال^۱، ۲۰۱۸؛ کورو^۲، ۲۰۰۹؛ گوموش^۳، ۲۰۱۸).

بر همین اساس، دانشجو در بسیاری از بیانیه‌ها و سخنرانی‌ها، بخشی از یک «نبرد فرهنگی» تصویر می‌شود؛ نبردی که در آن دانشگاه باید از «تمدن» در برابر تهدیدهای فکری محافظت کند، امری که با توصیف گولالپ از منازعات فرهنگی هم‌خوان است (گولالپ^۴، ۲۰۱۹).

این رویکرد در سخنرانی سال ۲۰۱۲ رئیس‌جمهور که اعلام کرد: «ما می‌خواهیم نسلی دیندار تربیت کنیم» به‌طور آشکار بیان شد (روزنامه حوریت^۵، ۲۰۱۲) و در سال‌های بعد نیز تکرار شد. در افتتاح سال تحصیلی ۲۰۱۸ تأکید شد که دانشگاه‌ها باید «جوانانی ملی، بومی و اخلاقی» تربیت کنند (ریاست جمهوری^۶، ۲۰۱۸) و در سال ۲۰۱۹ دانشگاه «یکی از میدان‌های اصلی مبارزه فرهنگی و تمدنی» توصیف شد (ریاست جمهوری، ۲۰۱۹ الف). این جهت‌گیری همچنین در «سند اهداف آموزش عالی ۲۰۲۳» بازتاب یافته است که بر «تقویت ارزش‌های ملی و معنوی در نسل دانشگاهی» تأکید می‌کند (شورای آموزش عالی^۷، ۲۰۲۳). در مجموع، این گفتمان دانشجو را نه صرفاً فراگیر علم، بلکه حامل مأموریتی اخلاقی-تمدنی می‌بیند؛ مأموریتی که در آن موفقیت علمی با فضیلت اخلاقی، هویت ملی و پایبندی ارزشی پیوند دارد (بوردیو^۸، ۲۰۰۰).

کنترل نهادی تئوپولیتیک: شورای آموزش عالی و انتصاب رؤسای دانشگاه‌های ترکیه

دومین سازوکار به کنترل نهادی مربوط است. در نظام آموزش عالی ترکیه، شورای آموزش عالی از پیش نهادی متمرکز بوده است، اما با تمرکز بیشتر در روند انتصاب رؤسای دانشگاه و پیوند این انتصاب‌ها با وفاداری سیاسی، این تمرکز تقویت شده است (چلیک و گور^۹، ۲۰۱۴؛ تکنه‌جی^{۱۰}، ۲۰۱۹). در نتیجه مدیریت دانشگاه‌ها بیش از گذشته با اولویت‌های سیاسی ریاست جمهوری هماهنگ می‌شود.

نقطه آغاز این روند، فرمان ریاست‌جمهوری شماره ۶۷۵ بود که انتصاب رؤسای دانشگاه‌ها را به‌طور کامل در اختیار رئیس‌جمهور قرار داد (فرمان ریاست‌جمهوری شماره ۱^{۱۱}، ۲۰۱۶). این سازوکار در انتصاب ریاست دانشگاه بوغازیچی در سال ۲۰۲۱ مشاهده شد، و این انتصاب «طبق مقررات مربوطه و بر اساس اختیار مستقیم ریاست‌جمهوری» انجام شده است (شورای آموزش عالی^{۱۲}، ۲۰۲۱). علاوه بر این، گزارش وزارت دادگستری در سال ۲۰۱۷ نشان می‌دهد که در دوره وضعیت اضطراری «۶۰۸۱ عضو هیئت علمی» از دانشگاه‌ها منفصل شده‌اند (وزارت دادگستری^{۱۳}، ۲۰۱۷). در مجموع، این شواهد بیانگر تشدید تمرکز در انتصابات، یکپارچه‌سازی اختیار مدیریتی و تنظیم مجدد نیروی انسانی در بازطراحی ساختار آموزش عالی ترکیه است.

بازتنظیم معرفتی: برتری «حقیقت تمدنی»

سومین سازوکار به تغییر در نگاه به دانش مربوط است. در این گفتمان گاهی دانش غربی به عنوان دانشی بیگانه یا ناسازگار با ارزش‌های جامعه معرفی می‌شود و در مقابل بر اهمیت دیدگاه‌های بومی و تمدنی تأکید می‌شود. این جهت‌گیری در اسناد سیاست‌گذاری و اظهارات مقامات به روشنی دیده می‌شود. در سخنرانی روز علوم و فناوری سال ۲۰۱۹ تأکید شده است که «علم جهانی اهمیت دارد، اما فهم علمی سازگار با ارزش‌های تمدنی خود را مبنای قرار می‌دهیم» (ریاست‌جمهوری^{۱۴}، ۲۰۱۹ ب) همچنین شورای آموزش عالی در «برنامه دانشگاه‌های بومی و ملی» در سال ۲۰۱۸ هدف اصلی را «تولید علم بر اساس ریشه‌های تمدنی و ارزش‌های ملی» معرفی می‌کند (شورای آموزش عالی، ۲۰۱۸).

9. Çelik & Gür

10. Tekneci

11. Presidential Decree

12. YÖK

13. Ministry of Justice

14. Presidency

1. İnâl

2. Kuru

3. Gümtüş

4. Gülalp

5. Hürriyet News

6. Presidency

7. YÖK

8. Bourdieu

پژوهش‌ها نشان می‌دهد این روند تأثیر بازدارنده بر آزادی دانشگاهی داشته است (آیدین^{۱۰}، ۲۰۱۹). در چنین شرایطی بسیاری از دانشگاهیان رفتارهای محتاطانه را در پیش می‌گیرند و سکوت یا تبعیت راهبردی را انتخاب می‌کنند. رز^{۱۱} (۱۹۹۹) توضیح می‌دهد که در چنین نظام‌هایی افراد به تدریج خود را کنترل می‌کنند و نه تنها گفتار بلکه اندیشه و کنجکاوی علمی خود را نیز مدیریت می‌کنند.

در مجموع، یافته‌ها نشان می‌دهد حکمرانی اردوغانیسم در آموزش عالی تنها به تغییر قوانین محدود نیست. این حکمرانی از طریق تغییر معناها، نهادها، نگاه به دانش و فضای فرهنگی دانشگاه عمل می‌کند. در نتیجه افق فکری درونی دانشگاهیان با انتظارات بیرونی مانند وفاداری سیاسی و انضباط اخلاقی همسو می‌شود و پیوندی میان تفکر شناختی و رفتار شکل می‌گیرد.

نتیجه‌گیری و بحث

یافته‌ها نشان می‌دهد سیاست‌های تئوپولیتیک اردوغانیسم دانشگاه‌های ترکیه را به فضاهایی برای شکل دادن «سوژه تمدنی» تبدیل می‌کند. در این فضاها نه فقط رفتار دانشگاهیان بلکه شیوه تفکر و تفسیر کردن نیز جهت‌گیری پیدا می‌کند. در این بخش سه پیامد اصلی بررسی می‌شود: شکل‌گیری پیوند میان شناخت و رفتار، نقش شورای آموزش عالی و مدیریت دانشگاه در کنترل تفسیری، و پیامدهای موجود برای آزادی دانشگاهی و تولید دانش.

سنتز تفکر شناختی و رفتار به مثابه هابیتوس تمدنی

پیوند میان شناخت و رفتار را می‌توان به عنوان شکل‌گیری یک «هابیتوس تمدنی»^{۱۲} توضیح داد. بوردیو^{۱۳} (۲۰۰۰) نشان می‌دهد هابیتوس در محیط‌هایی شکل می‌گیرد که برخی گرایش‌ها را تشویق و برخی دیگر را پرهزینه ترسیم می‌کنند. در آموزش عالی ترکیه نیز اصلاحات نهادی، شیوه انتخاب مدیران و فضای نمادین دانشگاه محیطی ایجاد کرده است که در آن دینداری، وفاداری و احتیاط ارزش مثبت دارد و نقد کردن می‌تواند پرهزینه باشد.

در چنین شرایطی دانشجویان و استادان به تدریج این وضعیت را طبیعی تلقی می‌کنند. در نتیجه فقط رفتار آنان تغییر نمی‌کند، بلکه انتظارات فکری آنان نیز دگرگون می‌شود؛ مثلاً اینکه چه

ارول^۱ (۲۰۲۲) این روند را نوعی معرفت‌شناسی نئوعثمانی در بازسازی دانشگاه می‌داند که از میراث عثمانی و اسلامی برای تعریف دوباره اولویت‌های علمی استفاده می‌کند.

از دیدگاه هرمنوتیکی، این روند نشان‌دهنده تغییر در چارچوب تفسیر دانش است. یعنی شیوه فهم عقلانیت و دانش دگرگون می‌شود (گادامر^۲، ۲۰۰۴). در این نگاه عقلانیت فقط به استقلال روش علمی محدود نیست، بلکه باید با ارزش‌های تمدنی هماهنگ باشد. در نتیجه دانش بیش از پیش با معیارهای اخلاقی و سیاسی پیوند می‌خورد (یاووز^۳، ۲۰۰۹). در چنین فضایی برخی نظریه‌های اجتماعی انتقادی ممکن است بیگانه معرفی شوند، درحالی‌که تفسیرهای دینی یا سنتی معتبرتر تلقی شوند (گولالپ^۴، ۲۰۱۹).

این تغییر بر رفتار دانشگاهی نیز اثر می‌گذارد. اساتید دانشگاهی ممکن است به سمت موضوع‌های کم‌چالش حرکت کنند و برخی رشته‌ها بسته به میزان همسویی با روایت تمدنی اعتبار بیشتری پیدا کنند (گوموش^۵، ۲۰۱۸). در نتیجه تصمیم‌های فکری و رفتارهای علمی به تدریج با شرایط نهادی هماهنگ می‌شود (بوردیو^۶، ۲۰۰۰).

حکمرانی اتمسفریک و فضای نمادین دانشگاه

چهارمین سازوکار به بازآرایی فضای نمادین دانشگاه مربوط می‌شود. در این فرآیند، محیط مادی و نمادین دانشگاه‌ها به گونه‌ای تنظیم می‌شود که دینداری، وفاداری و احتیاط رفتاری طبیعی جلوه کند. برای نمونه، دانشگاه ساکاریا در بیانیه رسمی خود در سال ۲۰۱۸ اعلام کرده است که «اقداماتی برای افزایش دیده‌شدن ارزش‌های ملی و معنوی در محیط دانشگاه انجام شده است (دانشگاه ساکاریا^۷، ۲۰۱۸). همچنین، رئیس دانشگاه ارجیس نیز در سخنرانی سال ۲۰۱۷ تأکید می‌کند که «دانشگاه ما موضع ملی خود را در فرهنگ دانشگاهی بازتاب خواهد داد (دانشگاه ارجیس^۸، ۲۰۱۷). در گزارش «دیدبان حقوق بشر ۲۰۲۰» نیز آمده است که بسیاری از استادان ترکیه‌ای به دلیل نگرانی از پیامدهای اداری و امنیتی اقدام به خودسانسوری کرده‌اند (دیدبان حقوق بشر^۹، ۲۰۲۰).

1. Erol
2. Gadamer
3. Yavuz
4. Güllalp
5. Gümtüş
6. Bourdieu
7. Sakarya University
8. Erciyes University
9. Human Rights Watch

10. Aydın
11. Rose
12. Civilizational Habitus
13. Bourdieu

آن اقتدار اخلاقی شده، مشروعیت نمادین تقویت شده و کثرت گرایی محدود شده است.

کنترل اداری متمرکز با استفاده از شعارهای تمدنی و مراسم نمادین تقویت می شود و حکمرانی به صورت نوعی سرپرستی اخلاقی نمایش داده می شود (آگامبن^۸، ۲۰۱۱). همچنین مولوترو^۹ (۲۰۱۹) نشان می دهد چگونه مفهوم «اراده ملی» به صورت یک ارزش مقدس مطرح می شود و در نتیجه مخالفت با آن می تواند به عنوان اقدامی ضد ملی یا ضد دینی معرفی شود.

آزادی دانشگاهی، انسداد شناختی و تولید دانش

یکی از مهم ترین پیامدهای این نوع حکمرانی خطر شکل گیری انسداد شناختی در دانشگاه ها است. انسداد شناختی زمانی رخ می دهد که یک روایت مسلط فضای فکری را محدود کند و مخالفت با آن هزینه های حرفه ای یا اجتماعی در پی دارد.

پژوهش های بوزکورت و همکاران^{۱۰} (۲۰۲۰)، آیدین^{۱۱} (۲۰۱۹) و گولمز^{۱۲} (۲۰۱۸) نشان می دهد تحولات پس از سال ۲۰۱۶ با ایجاد فضای ترس و عدم قطعیت به این روند کمک کرده است. با این حال این محدودیت فقط نتیجه فشار مستقیم نیست. وقتی گفتمان تمدنی معیار فضیلت و دانش را تعیین می کند، برخی دانشگاهیان ممکن است حتی بدون اجبار بیرونی از طرح پرسش های انتقادی پرهیز کنند.

نوسام^{۱۳} (۲۰۱۰) نشان می دهد که آموزش برای حفظ ظرفیت های دموکراتیک به گفت و گو، نقد و چالش فکری نیاز دارد. اگر دانشگاه بیشتر به ابزاری برای تولید سوزدهای مطیع تبدیل شود، ممکن است در تثبیت ایدئولوژیک موفق باشد اما در بلندمدت تولید دانش و رقابت علمی جهانی تضعیف می شود.

همچنین گور^{۱۴} (۲۰۱۶) نشان می دهد، افزایش تعداد دانشگاه ها به تنهایی کیفیت علمی را تضمین نمی کند. اگر گسترش دانشگاه ها همراه با تمرکز قدرت و محدود شدن آزادی دانشگاهی باشد، نظام علمی ممکن است در تولید پژوهش معتبر و حفظ نخبگان با مشکل روبه رو شود. آیدین (۲۰۱۹) نیز کاهش آزادی دانشگاهی را عاملی می داند که می تواند به مهاجرت دانشگاهیان و انزوای علمی بین المللی منجر شود.

با این حال، دانشگاه ها همچنان فضاهای منازعه فکری باقی

پرسش هایی مناسب است، کدام نظریه ها معتبر محسوب می شوند و چه هویت هایی در محیط دانشگاهی امن هستند.

از دیدگاه هرمنوتیکی، این وضعیت به معنای تغییر در افق تفسیر است. گادامر^۱ (۲۰۰۴) توضیح می دهد که فهم انسان همیشه در چارچوب یک افق معنایی شکل می گیرد. در ترکیه دوران اردوغان، روایت تمدنی هدف دانشگاه را بازتعریف می کند و زندگی فکری را به سوی سرنوشت ملی و احیای اخلاقی هدایت می کند. در چنین فضایی مخالفت فکری ممکن است به عنوان بی وفایی سیاسی یا فرهنگی تعبیر شود. به این ترتیب مرز میان اختلاف علمی و مخالفت سیاسی کم رنگ می شود و تفاوت معرفتی به مسئله ای اخلاقی تبدیل می گردد.

دولت پداگوژیک و حکمرانی شناختی

یافته ها همچنین نشان می دهد حکمرانی آموزش عالی ترکیه در این دوره شکل یک پروژه دولتی آموزشی به خود می گیرد. کاپلان^۲ (۲۰۰۶) مفهوم دولت پداگوژیک را برای توصیف نقش آموزش در شکل دادن فرهنگ ملی مطرح می کند. در دوره اردوغانیسم، این نقش با گفتمان تمدنی و مشروعیت دینی بازتعریف شده است (دوران^۳، ۲۰۱۳؛ ییلماز^۴، ۲۰۱۸).

در نتیجه نوعی حکمرانی شناختی شکل می گیرد؛ یعنی دولت تلاش می کند نه فقط بر فعالیت دانشگاه ها بلکه بر شیوه فکر کردن و تفسیر کردن نیز اثر بگذارد (دین^۵، ۲۰۱۰؛ رز^۶، ۱۹۹۹).

در این میان شورای آموزش عالی ترکیه و انتصاب رؤسای دانشگاه نقش مهمی دارند، زیرا روایت سیاسی را به رویه های روزمره دانشگاهی تبدیل می کنند. وقتی مدیریت دانشگاه با پروژه حکومتی هماهنگ باشد، تصمیم هایی مانند استخدام استادان، ارتقا، تخصیص بودجه یا برگزاری برنامه های علمی می تواند برداشت خاصی از هویت ملی و اخلاقی را تقویت کند.

از نگاه فوکو^۷ (۲۰۰۸) قدرت فقط محدودکننده نیست بلکه هنجارها و هویت ها را تولید می کند. در این معنا دانشگاه به فضایی تبدیل می شود که در آن قواعد قابل قبول برای گفتار، پژوهش و هویت دانشگاهی شکل می گیرد. بنابراین دانشگاه به نوعی بازتاب کوچک از نظم سیاسی گسترده تر جامعه تبدیل می شود؛ نظمی که در

8. Agamben

9. Mutluer

10. Bozkurt et al.

11. Aydın

12. Gülmez

13. Nussbaum

14. Gür

1. Gadamer

2. Kaplan

3. Duran

4. Yılmaz

5. Dean

6. Rose

7. Foucault

می‌مانند. حتی در شرایط محدود نیز گفتمان‌های مختلف مانند جمهوری‌خواهی سکولار، اسلام‌گرایی محافظه کار و هنجارهای دانشگاهی جهانی همچنان در تعامل و رقابت هستند. از دیدگاه گادامر^۱ (۲۰۰۴) نیز افق‌های تفسیری هرگز کاملاً بسته نمی‌شوند و ممکن است با بحران‌ها یا تغییر نسل‌ها دگرگون شوند. با وجود این پویایی‌ها، یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد حکمرانی اردوغانیسم با تثبیت کنترل تفسیری و همسو کردن انتظارات فکری و رفتاری از طریق گفتمان تئوپولیتیک، کثرت‌گرایی در دانشگاه‌های ترکیه را به طور قابل توجهی کاهش داده است.

این پژوهش اگرچه چارچوب تفسیری جدیدی برای حکمرانی آموزش عالی در ترکیه ارائه می‌دهد، اما محدودیت‌هایی دارد؛ از جمله اینکه روش هرمنوتیکی بیش‌تر بر تحلیل معنا و سازوکارهای نمادین تمرکز دارد و به سنجش تجربی یا پیامدهای عینی سیاست‌ها، همچون عملکرد دانشگاه‌ها و شاخص‌های علمی، نمی‌پردازد. داده‌های مورد استفاده عمدتاً متون و اسناد رسمی است و بنابراین تجربه زیسته دانشگاهیان را به‌طور کامل بازتاب نمی‌دهد و میان گفتمان رسمی و واقعیت روزمره فاصله ممکن است وجود داشته باشد. تمرکز مطالعه بر شورای آموزش عالی و دوره محدود زمانی موجب دیده نشدن نقش بازیگران غیررسمی و بین‌المللی شده است. همچنین پرداخت کم‌تر به تحولات اقتصادی، بازار کار و رقابت جهانی، از دیگر محدودیت‌های آن است. با این حال، این رویکرد امکان توجه به ابعاد معنایی حکمرانی را فراهم می‌آورد که برای فهم عمیق‌تر نظم معرفتی و فضیلت اخلاقی در دانشگاه‌های ترکیه حائز اهمیت است.

این مقاله حکمرانی آموزش عالی ترکیه از ۲۰۰۲ تا ۲۰۲۵ را به‌عنوان پروژه‌ای هرمنوتیکی-تئوپولیتیک تفسیر می‌کند که هدف آن پیوند دادن رفتار انسانی با تفکر شناختی و بازتعریف نقش دانشگاه در جامعه است. یافته‌ها نشان می‌دهد اصلاحات آموزش عالی فراتر از تغییرات اداری بوده و به بازسازی معنایی دانشگاه انجامیده است. چهار سازوکار اصلی در این روند دیده می‌شود: بازتعریف دانشجوی آرمانی به‌عنوان سوژه‌ای اخلاقی-تمدنی، استفاده از شورای آموزش عالی و انتصاب رؤسای دانشگاه برای هدایت فضای دانشگاهی، تغییر در سلسله‌مراتب دانش به نفع «حقیقت تمدنی»، و شکل‌گیری حکمرانی اتمسفریک از طریق نمادها و مناسک دانشگاهی. این سازوکارها نوعی حکمرانی شناختی ایجاد می‌کنند که در آن گرایش‌های فردی با انتظارات

نهادی هماهنگ می‌شود. تحلیل مقاله نشان می‌دهد دکرترین اردوغانیسم در حوزه آموزش به نوعی الهیات سیاسی شباهت دارد که مشروعیت سیاسی را از روایت‌های دینی و تمدنی می‌گیرد. در نتیجه، دانشگاه‌ها به فضاهایی برای بازتعریف هویت، دانش و فضیلت در چارچوب نظم سیاسی تبدیل می‌شوند. این روند به‌ویژه پس از ۲۰۱۶ با تمرکز مدیریتی و فشار بر مخالفان، استقلال دانشگاهی و کثرت‌گرایی فکری را محدود کرده و می‌تواند در بلندمدت ظرفیت نوآوری علمی را تضعیف کند. پژوهش‌های آینده می‌توانند این الگو را در مقایسه‌های بین‌المللی و در واکنش‌های استادان و دانشجویان بررسی کنند. این پژوهش پیشنهادها و جدیدی برای مطالعات آتی ارائه می‌دهد، از جمله بررسی میدانی تجربه زیسته دانشجویان و استادان تا روشن شود نظم تفسیری چگونه در رفتار روزمره، انتخاب موضوعات پژوهشی و خودسانسوری شکل می‌گیرد. مقایسه تطبیقی با کشورهایی که هویت ملی-دینی را در آموزش عالی ادغام کرده‌اند می‌تواند نشان دهد الگوی ترکیه تا چه حد استثنایی یا بخشی از روندی گسترده‌تر است. همچنین ارزیابی پیامدهای این ساختار تفسیری بر شاخص‌های تولید دانش، همکاری علمی و مهاجرت دانشگاهیان اهمیت دارد. پژوهش‌های آینده باید تحولات پس از ۲۰۱۶ را در چارچوب رویکردهای طولی بررسی کنند تا پایداری یا تغییر کنترل تفسیری مشخص شود. در کنار آن، مطالعه نقش نمادها، مراسم و روایت‌های اخلاقی می‌تواند ابعاد عاطفی و فرهنگی حکمرانی را آشکار سازد. توجه به این حوزه‌ها در مجموع می‌تواند فهم عمیق‌تری از پیوند میان دانش، هویت و قدرت در دانشگاه‌های ترکیه ارائه دهد.

دسترسی به داده‌ها

دسترسی به داده‌ها در صورت درخواست پژوهشگران عزیز وجود دارد.

مشارکت‌های نویسندگان

تمامی نویسندگان در شکل‌گیری ایده پژوهش و طراحی مطالعه مشارکت فعال داشته‌اند.

ملاحظات اخلاقی

در جریان اجرای این پژوهش و تهیه مقاله، کلبه قوانین کشوری و اصول اخلاق حرفه‌ای مرتبط با پژوهش رعایت شده است.

شفافیت

نویسندگان تأیید می‌کنند که این مقاله گزارشی صادقانه، دقیق و شفاف از پژوهش انجام‌شده ارائه می‌دهد. هیچ بخش مهمی از فرایند یا نتایج پژوهش حذف نشده و این پژوهش مطابق با اصول اخلاق پژوهش و صداقت علمی انجام شده است.

تعارض منافع

بنابر اظهار نویسنده، مقاله حاضر فاقد هرگونه تعارض منافع بوده است. این مقاله قبلاً در هیچ نشریه‌ای اعم از داخلی یا خارجی چاپ نشده است.

تامین مالی

کلیه هزینه‌های پژوهش حاضر توسط نویسنده مقاله تأمین شده است.

References

- Agamben, G. (2011). *The kingdom and the glory: For a theological genealogy of economy and government*. Stanford University Press.
- Asad, T. (2003). *Formations of the secular: Christianity, Islam, modernity*. Stanford University Press.
- Aydın, A. (2019). Academic freedom in Turkey: From Kemalist persistence to AKP's authoritarianism. *European Journal of Higher Education*, 9(3), 259–275.
- Bourdieu, P. (2000). *Pascalian meditations*. Stanford University Press.
- Bozkurt, U., et al. (2020). Turkey's academic purges and the limits of international solidarity. *Globalizations*, 17(4), 1–18.
- Çelik, Z., & Gür, B. S. (2014). State, politics and higher education in Turkey. *Journal of Higher Education Policy*, 7(2), 45–67.
- Coşar, S., & Yeğenoğlu, M. (2011). New grounds for patriarchy in Turkey? Gender policy in the age of the AKP. *South European Society and Politics*.
- Dean, M. (2010). *Governmentality: Power and rule in modern society*. Sage.
- Duran, B. (2013). The AK Party's identity in the formation of a "New Turkey." *Insight Turkey*, 15(1), 1–12.
- Erciyes University. (2017, March 12). *Rector's speech on national stance in university culture*. Erciyes University Publishing.
- Erol, M. S. (2022). Neo-Ottoman epistemology and the reconstruction of the Turkish university. *Insight Turkey*, 24(2), 89–104.
- Foucault, M. (2008). *The birth of biopolitics: Lectures at the Collège de France, 1978–1979*. Palgrave Macmillan.
- Gadamer, H.-G. (2004). *Truth and method*. Continuum.
- Gülalp, H. (2019). The authoritarian turn and the culture wars in Turkey. *New Perspectives on Turkey*, 60, 1–25.
- Gülmez, S. B. (2018). Higher education under the authoritarian turn in Turkey. *South European Society and Politics*, 23(2), 271–290.
- Gümüş, S. (2018). The transformation of higher education in Turkey under the AK Party. *Higher Education Policy*, 31(2), 227–239.
- Gür, B. S. (2016). The rapid expansion of higher education in Turkey: Challenges and opportunities. *Higher Education Policy*, 29(2), 1–18.
- Human Rights Watch. (2020, February 26). *Turkey: Crackdown on academics continues*. HRW Publications.
- Hürriyet Daily News. (2012, February 1). *Erdoğan: "We aim to raise a pious generation."* Hürriyet Publishing.
- İnal, K. (2018). The ideological transformation of education in Turkey during the AKP era. *Policy Futures in Education*, 16(4), 1–15.
- Kaplan, S. (2006). *The pedagogical state: Education and the politics of national culture in post-1980 Turkey*. Stanford University Press.
- Kuru, A. T. (2009). *Secularism and state policies toward religion: The United States, France, and Turkey*. Cambridge University Press.
- Ministry of Justice of the Republic of Turkey. (2017). *State of emergency measures: Academic personnel dismissals report*. Ministry of Justice Publications.
- Mutluer, M. (2019). The political theology of the AKP: From "Islamic democracy" to "national will." *Politics, Religion & Ideology*, 20(3), 312–330.
- Nussbaum, M. (2010). *Not for profit: Why democracy needs the humanities*. Princeton University Press.
- Öktem, K. (2011). *Angry nation: Turkey since 1989*. Zed Books.
- Öniş, Z. (2015). Monopolising the centre: The AKP and the uncertainties of the Turkish model. *The International Spectator*, 50(2), 22–41.

- Özkırımlı, U. (2018). The closing of the Turkish mind: Universities and intellectual freedom after 2016. *Globalizations*.
- PRT (Presidency of the Republic of Türkiye). (2016, October 29). *Presidential Decree No. 675 on measures taken under the state of emergency*. Presidency Publications.
- PRT (Presidency of the Republic of Türkiye). (2018). *Opening ceremony of the 2018–2019 academic year: Official speech*. Presidency Publications.
- PRT (Presidency of the Republic of Türkiye). (2019a). Academic year opening speech: Universities as cultural and civilizational fronts. Presidency Publications.
- PRT (Presidency of the Republic of Türkiye). (2019b, December 5). *Science and Technology Day address: Civilizational perspectives on scientific development*. Presidency Publications.
- Ricoeur, P. (1991). *From text to action: Essays in hermeneutics II*. Northwestern University Press.
- Rose, N. (1999). *Governing the soul: The shaping of the private self*. Free Association Books.
- Sakarya University. (2018, June 20). *Official statement on promoting national and moral values in campus environment*. Sakarya University Press.
- Tekeli, İ. (2019). *Türkiye’de yükseköğretimin yeniden yapılandırılması üzerine*. İstanbul Bilgi University Press.
- Tekneci, E. (2019). The transformation of YÖK: From a secular guardian to an instrument of the executive. *Education and Society*, 37(1), 85–103.
- Tuğal, C. (2009). *Passive revolution: Absorbing the Islamic challenge to capitalism*. Stanford University Press.
- Türkmen, B. (2012). Islam, education and politics: The case of the AKP in Turkey. *British Journal of Sociology of Education*, 33(4), 1–20.
- Yavuz, M. H. (2009). *Secularism and Muslim democracy in Turkey*. Cambridge University Press.
- Yılmaz, İ. (2018). Civilizational populism and the case of Turkey’s AKP. *Nations and Nationalism*, 24(2), 1–20.
- Yılmaz, İ., & Morieson, N. (2023). *Civilizational populism in Turkey, Indonesia and Pakistan*. Routledge.
- YÖK (Council of Higher Education). (2018). *Program for national and indigenous universities*. YÖK Publications.
- YÖK (Council of Higher Education). (2021, January 2). *Statement regarding the appointment of the Boğaziçi University rector*. YÖK Publications.
- YÖK (Council of Higher Education). (2023). *Yükseköğretim 2023 hedefleri: Ulusal ve manevi değerlerin güçlendirilmesi*. YÖK Yayınları.